

مبانی علوم انسانی اسلامی

احمد حسین شریفی

دانشیار گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

زمستان ۱۳۹۳

فهرست مطالب

- ۱۵..... مقدمه
- ۱۶..... مسأله اصلی
- ۱۷..... ساختار کلی کتاب
- ۲۱..... ویژگی‌های این کتاب
- ۲۳..... سیاست‌گذاری

فصل اول: مباحث کلی و مقدماتی

- ۲۷..... تاریخچه بحث
- ۲۷..... تاریخچه علوم انسانی
- ۳۰..... تاریخچه طرح علوم انسانی اسلامی
- ۳۲..... مدافعان اولیه
- ۳۶..... سیدمحمدباقر صدر
- ۴۰..... شهید مرتضی مطهری
- ۴۳..... علامه محمدتقی جعفری
- ۴۶..... آیت‌الله مصباح‌یزدی

- ۴۹..... اهمیت و ضرورت تولید علوم انسانی اسلامی
- ۵۰..... یک. کم کاری در عرصه علوم انسانی
- ۵۳..... دو. لازمه پیشرفت مادی
- ۵۴..... سه. علوم انسانی روح سایر دانش‌ها
- ۵۵..... چهار. عدم تناسب علوم انسانی موجود با فرهنگ اسلامی
- ۵۶..... پنج. آسیب‌های علوم انسانی غربی
- ۶۱..... شش. برداشتهای عجیب از علوم انسانی اسلامی
- ۶۹..... هفت. شرط لازم اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها
- ۷۳..... هشت. ارتباط علوم انسانی با مسائل دینی
- ۷۵..... نه. نرم‌افزار جامعه‌سازی و تمدن‌سازی اسلامی
- ۸۶..... خلاصه فصل
- ۹۰..... پرسش
- ۹۱..... برای پژوهش بیشتر

فصل دوم: چیستی علوم انسانی

- ۹۵..... نبود اجماع در تعریف علوم انسانی
- ۱۰۰..... توجه به ابعاد توصیفی و تجویزی علوم انسانی
- ۱۰۴..... تعریف علوم انسانی
- ۱۰۷..... انواع تعریف
- ۱۱۱..... تعریف مصداقی علوم انسانی
- ۱۱۵..... تعاریف حقیقی علوم انسانی
- ۱۱۶..... تعریف کارکردی
- ۱۱۸..... ویژگی‌های موضوع علوم انسانی

۱۱۹	یک. جزء فعالیت‌های انسانی انسان بودن
۱۲۰	دو. پیچیدگی موضوع
۱۲۲	سه. هدفمندی کنش‌های انسانی
۱۲۳	چهار. وابستگی به آگاهی، اراده و اختیار
۱۲۷	پنج. معنادار بودن
۱۳۰	شش. وابستگی به نیازها
۱۳۲	هفت. وابستگی به موقعیت‌های زمانی و مکانی
۱۳۴	هشت. وابستگی به فرهنگ
۱۳۶	نه. اعتباری بودن موضوع
۱۳۹	ده. تأثیرپذیری از پیامدها
۱۴۱	یازده. همدلی پژوهشگر با موضوع تحقیق
۱۴۲	روش علوم انسانی
۱۴۵	هدف نهایی علوم انسانی
۱۵۰	خلاصه فصل
۱۵۶	پرسش
۱۵۸	برای پژوهش بیشتر

فصل سوم: چیستی علوم انسانی اسلامی

۱۶۴	رویکردهای مواجهه با علوم انسانی
۱۶۴	یک. تحول علوم انسانی
۱۶۴	دو. بومی‌سازی علوم انسانی
۱۶۷	سه. اسلامی‌سازی علوم انسانی
۱۶۹	چهار. علوم انسانی اسلامی

۱۶۹	جمع‌بندی
۱۷۱	منظور از علوم انسانی اسلامی
۱۷۱	یک. دانش مورد تأکید اسلام
۱۷۸	دو. علوم شارح کتاب و سنت
۱۸۰	سه. علوم سودمند برای جامعه اسلامی
۱۸۷	چهار. علوم عالمان مسلمان
۱۸۹	پنج. علوم ناظر به موضوعات و مسائل اسلامی
۱۹۰	شش. علوم مستند به متون اسلامی
۱۹۵	هفت. علوم مستند به منابع اسلامی
۱۹۷	هشت. علوم ناظر به تفسیر اراده الهی
۲۰۱	نه. علوم مستند به مبنای اسلامی
۲۰۹	ده. علوم حاصل از متون دینی به روش اجتهادی
۲۱۱	یازده. علوم مبتنی بر روش اسلامی تحقیق
۲۱۳	دوازده. دیدگاه مورد قبول
۲۱۷	خلاصه فصل
۲۲۱	پرسش
۲۲۳	برای پژوهش بیشتر

فصل چهارم: موافقان علوم انسانی اسلامی

۲۲۵	بررسی دیدگاه‌ها
۲۳۰	سلیقه‌ای بودن دسته‌بندی‌ها
۲۳۰	رویکردهای پسینی و پیشینی به مسأله
۲۳۳	دلیل‌گزینش

- ۲۳۳ دیدگاه آیت‌الله جوادی
- ۲۴۴ دیدگاه آیت‌الله مصباح
- ۲۶۵ خلاصه فصل
- ۲۶۹ پرسش
- ۲۷۱ برای پژوهش بیشتر

فصل پنجم: مبانی فلسفی علوم انسانی اسلامی

- ۲۷۷ انواع مبانی
- ۲۷۹ مبانی معرفت‌شناختی علوم انسانی اسلامی
- ۲۸۰ یک. امکان و وقوع شناخت یقینی
- ۲۸۲ دو. امکان و وقوع شناخت مطلق
- ۲۸۵ سه. امکان شناخت امور غیرتجربی
- ۲۸۶ چهار. تقدم معرفت یقینی بر معرفت معارض با آن
- ۲۸۸ پنج. تغییرناپذیری معرفت‌های یقینی
- ۲۸۹ شش. تنوع راهها و ابزارهای کشف واقع
- ۲۹۵ مبانی هستی‌شناختی علوم انسانی اسلامی
- ۲۹۶ یک. اصل علیت
- ۲۹۷ دو. ضرورت علی - معلولی
- ۲۹۹ سه. سنخیت علی - معلولی
- ۳۰۱ چهار. مراتب داشتن موجودات
- ۳۰۲ پنج. گستره وجود: از ماده تا فراماده
- ۳۰۳ شش. تدریجی بودن عالم ماده و مادیات
- ۳۰۴ مبانی دین‌شناختی علوم انسانی اسلامی

- ۳۰۵ یک. اعتقاد به خداوند به عنوان کامل مطلق
- ۳۱۱ دو. انسان کامل به عنوان هدف اصلی آفرینش
- ۳۱۲ سه. اعتقاد به هدایت تشریحی انسان از سوی خداوند
- ۳۱۵ چهار. اعتقاد به جامع و جهانی بودن اسلام
- ۳۱۷ پنج. اعتقاد به عصمت پیامبر اسلام و ائمه اطهار
- ۳۱۸ مبانی انسان‌شناختی علوم انسانی اسلامی
- ۳۲۱ یک. ترکیب انسان از روح و بدن
- ۳۲۶ دو. سرشت مشترک انسان‌ها
- ۳۲۷ سه. ابزاری بودن همه کنش‌های انسانی
- ۳۲۹ چهار. کمال‌جویی انسان
- ۳۳۲ مبانی ارزش‌شناختی علوم انسانی اسلامی
- ۳۳۳ یک. توجه به تفاوت ارزش‌های ذاتی و غیره
- ۳۳۶ دو. توجه به تفاوت ارزش‌های ابزاری و غایی
- ۳۳۸ سه. واقعی و نفس‌الامری بودن ارزش‌ها
- ۳۴۰ چهار. نقش منابع معرفت در کشف ارزش‌ها
- ۳۴۲ پنج. مطلق و ثابت بودن ارزش‌ها
- ۳۴۴ شش. منشأ اختلافات اخلاقی
- ۳۴۶ خلاصه فصل
- ۳۵۲ پرسش
- ۳۵۴ برای پژوهش بیشتر

فصل ششم: روش تحقیق در علوم انسانی اسلامی

- ۳۵۷ «روش» و «روش‌شناسی»

۳۵۹	روش تحقیق و تمایز علوم
۳۶۰	یک. تمایز هدفی
۳۶۳	دو. تمایز روشی
۳۶۷	سه. تمایز موضوعی
۳۶۹	چهار. تمایز مسأله‌ای
۳۷۰	پنج. تمایز موضوعی - روشی
۳۷۳	رابطه روش و معرفت‌شناسی
۳۷۴	روش تحقیق در علوم انسانی
۳۷۹	نظریه «وحدت روش علمی»
۳۸۸	بررسی ادله قائلین به «وحدت روش علمی»
۳۸۸	دلیل اول: تکیه بر معیار معناداری پزینیویستی
۳۹۱	دلیل دوم: عدم امکان شناخت همه ابعاد وجودی انسان
۳۹۳	دلیل سوم: تلازم علم و تجربه
۳۹۵	دلیل چهارم: همگانی بودن روش تجربی
۳۹۷	نظریه «تکثر روشی علوم انسانی»
۳۹۹	مکتب تفهیمی و روش علوم انسانی
۴۰۶	تنوع روش‌ها به تناسب تنوع دانش‌ها
۴۱۱	اختلاف روش‌ها به تناسب اختلاف موضوعات
۴۱۷	خلاصه فصل
۴۲۲	پرسش
۴۲۴	برای پژوهش بیشتر

فصل هفتم: نقش نظام ارزشی در علوم انسانی

۴۲۹	تعیین محل بحث
-----	---------------

۴۲۹.....	انواع دیدگاه‌ها.....
۴۳۰.....	نظریهٔ عدم تأثیر ارزش‌ها در علوم انسانی.....
۴۳۴.....	نظریهٔ تأثیر ارزش‌ها در علوم انسانی.....
۴۳۶.....	انواع تأثیر ارزش‌ها در علوم انسانی.....
۴۳۶.....	یک. تأثیر نظام ارزشی در انتخاب مسألهٔ پژوهش.....
۴۳۸.....	دو. تأثیر نظام ارزشی در انتخاب اهداف.....
۴۴۲.....	سه. تأثیر نظام ارزشی در روند پژوهش.....
۴۵۴.....	چهار. تأثیر نظام ارزشی در نتیجه‌گیری‌های علمی.....
۴۵۸.....	خلاصهٔ فصل.....
۴۶۰.....	بررسی.....
۴۶۱.....	برای پژوهش بیشتر.....

فصل هشتم: بررسی ادله مخالفان «علوم انسانی اسلامی»

۴۶۶.....	دلیل اول: از راه ناواقع‌نما دانستن زبان دین.....
۴۶۸.....	تقریر اول: زبان دین به عنوان یک بازی زبانی مستقل.....
۴۷۴.....	نقد و بررسی.....
۴۷۴.....	نقد اول: شخصی شدن معیار عقلانیت.....
۴۷۵.....	نقد دوم: ابهام در اصطلاح «نحوهٔ حیات».....
۴۷۵.....	نقد سوم: نادیده گرفتن بعد واقع‌گرایانهٔ گزاره‌های دینی و فلسفی.....
۴۷۷.....	نقد چهارم: بی‌معنا بودن گفتگوی فلسفی و دینی با دیگران.....
۴۷۷.....	تقریر دوم: زبان دین به عنوان زبان تعهد و توصیه.....
۴۸۱.....	نقد و بررسی.....
۴۸۳.....	دلیل دوم: از راه تبیین هویت علم.....

۴۸۷ نقد و بررسی
۴۹۴ دلیل سوم: از راه تفکیک مقام گردآوری و داوری
۴۹۴ تقریر اول: از راه مطالعه سیر تکوینی علوم انسانی
۴۹۸ نقد و بررسی
۵۰۰ تقریر دوم: از راه توجه به هدف و روش علم
۵۰۲ نقد و بررسی
۵۰۴ دلیل چهارم: از راه غیر اخلاقی بودن علوم انسانی اسلامی
۵۰۵ نقد و بررسی
۵۰۶ دلیل پنجم: از راه تفکیک میان علم و تکنولوژی
۵۱۴ نقد و بررسی
۵۱۹ دلیل ششم: از راه ابطال پیش فرض های «علم اسلامی»
۵۲۲ نقد و بررسی
۵۲۶ خلاصه فصل
۵۳۲ پرسش
۵۳۴ برای پژوهش بیشتر

فصل نهم: علوم انسانی اسلامی، واقع بینی و آزاداندیشی علمی

۵۳۹ فضایل اخلاقی و واقع بینی علمی
۵۳۹ یک. انگیزه و نیت الهی
۵۴۳ دو. آشنایی با دیدگاه های دیگران
۵۴۴ سه. جامع نگری
۵۵۰ چهار. حقیقت جویی
۵۵۲ پنج. پژوهش گروهی

- ۵۵۳..... شش. مجاهدت در تحقیق
- ۵۵۴..... هفت. بردباری در پژوهش
- ۵۵۵..... هشت. کثرت‌گرایی روشی
- ۵۵۷..... فضایل اخلاقی و آزاداندیشی علمی
- ۵۵۷..... یک. پرهیز از تعصبات کور
- ۵۶۰..... دو. پرهیز از شهرت‌زدگی
- ۵۶۳..... سه. دوری از هوای نفس
- ۵۶۷..... چهار. توجه به ضعف معرفتی خود
- ۵۶۹..... خلاصه فصل
- ۵۷۲..... پرسش
- ۵۷۳..... برای پژوهش بیشتر
- ۵۷۴..... فهرست منابع
- ۵۷۴..... منابع فارسی و عربی
- ۵۹۳..... سایت‌های فارسی
- ۵۹۴..... منابع انگلیسی
- ۵۹۷..... نمایه‌ها

مقدمه

اهمیت علوم انسانی در حیات مادی و معنوی افراد و جوامع، کم‌کاری عالمان و اندیشمندان اسلامی در حوزه‌های علوم انسانی، عدم تناسب علوم انسانی غربی با باورها و ارزش‌های اسلامی، ناکارآمدی آنها در تحلیل حیات انسان مسلمان، آسیب‌های اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی آنها برای جوامع اسلامی و نقش نرم‌افزارانه آنها برای جامعه‌سازی و تمدن‌سازی اسلامی، همگی ضرورت مجاهدت اندیشمندان مسلمان را در زمینه علوم انسانی اسلامی ایجاب می‌کند. البته روشن است تولید علوم انسانی اسلامی یا به تعبیر دیگر، هماهنگ‌سازی علوم انسانی با فرهنگ اصیل اسلامی، کاری بسیار پیچیده و نیازمند سخت‌کوشی‌ها و مجاهدت‌های علمی فراوان است.

هر چند اندیشمندان جهان اسلام در گذشته تاریخی خود در این زمینه‌ها اقدام‌های درخور ستایشی انجام داده‌اند و هیچ پژوهش‌گر با انصافی سهم آنان را در تولید علم بشری انکار نمی‌کند، اما به دلایل

مختلفی که اینجا زمینه طرح آنها نیست، در چند سده اخیر از قافله علمی بشر به ویژه در حوزه علوم انسانی عقب مانده‌اند. جبران این عقب‌ماندگی مستلزم مجاهدت‌های علمی فراوان در بخش‌های مختلف است. لازم است عالمان جهان اسلام، نه تنها برای تداوم حیات تمدنی خود که برای نجات علم به ویژه علوم انسانی از نگاه‌های تک بعدی و خشک و متصلب و بی‌روح غربی، کمر همت بر بسته و با نگاهی اسلامی و واقع‌بینانه، علوم انسانی اسلامی را تولید و به بشریت عرضه نمایند.

هر گونه اقدامی در این زمینه مبتنی بر داشتن دیدی روشن از علوم انسانی از یک طرف، و علوم انسانی اسلامی از طرف دیگر است. به همین دلیل، ما در این کتاب تلاش کرده‌ایم ضمن معرفی علوم انسانی و بیان ویژگی‌های آنها و تعیین معنای مورد نظر از علوم انسانی اسلامی مبانی و اصول فکری، فلسفی، ارزشی و روشی لازم برای تولید علوم انسانی اسلامی را تبیین کنیم.

مسئله اصلی

این کتاب در جستجوی پاسخ سؤالاتی از این قبیل است: علوم انسانی چه نوع علمی‌اند؟ چه تفاوت‌ها و تمایزهایی با علوم غیرانسانی دارند؟ هدف یا اهداف علوم انسانی چیست؟ علوم انسانی اسلامی به چه معنی است؟ آیا قید «اسلامی» در این ترکیب، احترازی است یا توضیحی؟ روش تحقیق در علوم انسانی اسلامی به چه صورت است؟ روش تحلیل

داوری نظریه‌ها در علوم انسانی چگونه است؟ آیا متحصر دانستن روش‌شناسی علوم انسانی در روش تجربی موجه است؟ آیا استناد به متون دینی در تحلیل کنش‌های انسانی، علم تولیدی ما را امری اختصاصی و درون‌دینی نمی‌کند؟ چگونه می‌توان درستی نظریه خود را برای کسانی که هم‌کیش و هم‌آیین ما نیستند، تبیین کرد؟ ارزش‌ها چه نقشی در علوم انسانی دارند؟ آیا پذیرش تأثیر ارزش در دانش، مستلزم از دست دادن عینیت و بی‌طرفی علمی نیست؟ چگونه می‌توان از علوم انسانی اسلامی سخن گفت و در عین حال ویژگی‌های عینیت، بی‌طرفی، آزاداندیشی و واقع‌گرایی علمی را تأمین کرد؟ دلایل مخالفان علم دینی و علوم انسانی اسلامی به طور خاص، چیست؟ از چه قوت و اعتباری برخوردارند؟

ساختار کلی کتاب

برای ارائه پاسخی روشن و منطقی به این نوع پرسش‌ها، که این کتاب خود را عهده‌دار پاسخ به آنها می‌داند، محتوای کتاب حاضر در ۹ فصل به شرح زیر دسته‌بندی شده است:

فصل اول این کتاب، مانند هر کتاب تحقیقی هدفمندی، به تبیین مباحث کلی و مقدماتی اختصاص یافته است. در این فصل ضمن اشاره‌ای کوتاه به مباحثی درباره تاریخچه علوم انسانی و ایده علوم انسانی اسلامی، نکته‌های نسبتاً مفصلی درباره اهمیت و ضرورت پرداختن به این بحث بیان شده است. بدین ترتیب، غیرمستقیم سخن

برخی از مخالفان این ایده، که مدعی غیرضروری بودن طرح این مسأله هستند، نقد و رد شده است.

فصل دوم به بحث از چیستی علوم انسانی اختصاص یافته است. حقیقت این است که علی‌رغم گسترش علوم انسانی در همه دنیا، بسیاری از دانشجویان و حتی فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف علوم انسانی، تعریفی روشن از این حوزه معرفتی ندارند. از طرفی هرگونه حرکتی در جهت ایجاد تحول در علوم انسانی یا اسلامی‌سازی علوم انسانی و یا تولید علوم انسانی اسلامی نیز بسته به داشتن درکی روشن از این دانش، روش‌شناسی، هدف و غرض آن است. بدین منظور در این فصل، ضمن اشاره به اختلاف‌های فراوان در تعریف علوم انسانی و توجه دادن به ابعاد توصیفی و تجویزی علوم انسانی، تلاش شده با ذکر ویژگی‌هایی برای موضوع مورد مطالعه علوم انسانی، تعریفی شفاف و کارآمد از این علوم ارائه شود.

در فصل سوم به بحث درباره معنانشناسی «علوم انسانی اسلامی» پرداخته شده است. در این فصل، ابتدا تفاوت‌های چهار اصطلاح «تحول علوم انسانی»، «بومی‌سازی علوم انسانی»، «اسلامی‌سازی علوم انسانی» و «علوم انسانی اسلامی» را بیان کرده و سپس گزارشی اجمالی از یازده تعریف مطرح شده برای علم دینی و علوم انسانی اسلامی ارائه شده و در نهایت معنای مورد نظر نویسنده مشخص شده است.

فصل چهارم به معرفی و تبیین چند دیدگاه مهم در حوزه علوم

انسانی اسلامی پرداخته است. در این فصل ضمن اشاره به انواع دیدگاه‌ها و دسته‌بندی‌های مختلفی که از دیدگاه‌های مطرح شده دربارهٔ ایده علم دینی ارائه شده است، سعی شده به اختصار دیدگاه دو تن از موافقان این ایده گزارش شود. ضمناً در این فصل از نقد و بررسی دیدگاه‌ها خودداری شده است.

فصل پنجم به مبانی فلسفی علوم انسانی اسلامی پرداخته و در ذیل هر کدام از مبانی پنجگانهٔ معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، الهیاتی و دین‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی به اموری اشاره شده است که تأثیری مستقیم در نوع نگاه دانش‌پژوهان و محققان به علوم انسانی دارد و زیرساخت و بنیان علوم انسانی اسلامی را شکل می‌دهند. البته در این فصل، حتی الامکان، از توضیح و تحلیل و تعلیل مبانی، صرف نظر شده و خوانندگان به منابع تفصیلی‌تر دربارهٔ هر کدام از آن مبانی، ارجاع داده شده‌اند.

فصل ششم دربارهٔ یکی از مباحث مهم و سرنوشت‌ساز در حوزهٔ علوم انسانی اسلامی است؛ یعنی روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی. در این فصل، ابتدا ضمن بیان اهمیت مسألهٔ روش در تمایز علوم و همچنین تأثیرپذیری روش تحقیق از دیدگاه‌های معرفت‌شناسانهٔ محققان، به معرفی نظریهٔ «وحدت روش علمی» و نقد و بررسی ادلهٔ قائلین این دیدگاه پرداخته و در ادامهٔ نظریهٔ «تکثر روشی علوم انسانی» توضیح داده شده و دیدگاه اسلامی را در این موضوع تبیین کرده است.